



چکیده

این مقاله برای شناخت بهتر و دقیق‌تر مفهوم مطالعه سعی کرده است درباره برخی از ابهام‌های مهم این حوزه بحثی داشته‌باشد. مباحثی نظیر اینکه مطالعه چگونه رفتاری است؟ فردی یا اجتماعی، چه تفاوتی بین خواندن و مطالعه است؟ آیا کتابهای درسی جزو شاخص مطالعه باید محسوب شود؟ همچنین به ابهام‌هایی در خصوص کتابهای علمی، دینی و فیلم‌های داستانی پرداخته و در نهایت نیز راهبردی برای رفع این ابهام‌ها ارائه شده است.

کلیدواژه‌های موضوعی: ابهام‌های شاخص مطالعه، شاخص مطالعه، کتابهای درسی، کتابهای علمی، کتابهای دینی، فیلم‌های داستانی، خواندن

برای شناخت دقیق یک مفهوم، علم منطق حکم می‌کند تعریف باید به گونه‌ای باشد که دارای مرزهای مشخص و جامع و مانع باشد. با چنین تعریفی است که بستر لازم برای تفاهم و تعامل میان صاحب‌نظران و فرصت برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند برای مسئولان فراهم می‌شود. نبود تعریفی مشخص از یک مفهوم باعث تشتت آرا در اهل نظر و ارائه مصداق‌های متفاوت در میدان عمل می‌شود. از این رو مشخص کردن مرزهای یک مفهوم، کمک شایانی برای دریافت صحیح از یک مفهوم می‌کند و در پی آن به توسعه عالمانه آن منجر می‌شود.

یکی از مفاهیمی که به ویژه در سالهای اخیر با ورود فناوری اطلاعات دستخوش ابهام شده‌است، مفهوم مطالعه است. این ابهامها باعث شده که آمارها و تحلیل‌های متفاوت ارائه شود و زمینه بدبینی و یا خوشبینی بی‌دلیل را فراهم کند. ابهاماتی که چنانچه وضعیت آنها روشن نشود هرکدام به سهم خود تعریف مفهوم مطالعه را می‌تواند تغییر دهد و در نهایت معلوم نخواهد شد که به چه چیزی می‌توان گفت "مطالعه".

با وجود این مسئله، برای شناخت بهتر و دقیق‌تر حد و مرز مفهوم مطالعه و برخی از ابهام‌های موجود درباره آن مطرح شده‌است.

چیستی مطالعه

در فرهنگ معین برای مطالعه این تعریف‌ها آورده شده‌است: (۱) به دقت نگرستن به چیزی برای وقوف به آن، (۲) خواندن کتاب یا نوشته ای و فهمیدن آن، (۳) نگاه در چیزی برای وقوف به آن، (۴) قرائت نوشته ای برای درک آن (معین، ۱۳۷۵، ج ۳، ۴۱۹۵). آدلر و ون درون^۲ (۲۱، ۳۷۱) نیز مطالعه را کسب اطلاعات یا فهمیدن مطالب و نتیجه آن را، ادراک و فهم بیشتر انسان دانسته‌اند. در ویکی پدیا نیز آمده که مطالعه (خواندن) یک فرایند شناختی پیچیده بازشناختی نمادها به منظور ساختاردهی یا کشف معنا است (ویکی پدیا (انگلیسی)، تعریف خواندن، ۲۰۱۲).

^۱ دکترای علوم اطلاعات و دانش‌شناسی و مدیرمسئول نشریه الکترونیکی شمس، salari1000@gmail.com

^۲ Adler and Van Doren



دلجو (۱۳۸۵، ۵۳) اظهار می‌دارد که بلوم^۳ مطالعه واقعی را فهمیدن و درک مطالب خواندنی بدون کمک دیگران می‌داند. همچنین در تعریف بلوم از مطالعه، بر یادگیری و فهم مطالب نیز تاکید شده است. در یک برداشت کلی می‌توان گفت: مطالعه، جریانی است که بدون کمک منبع خارجی (یعنی فردی دیگر برای فرد بخواند) و با تمرکز روی مطلب، با استفاده از نیروی خویش، سبب افزایش آگاهی و دانش فرد شود.

تفاوت خواندن و مطالعه

عده ای بین خواندن^۴ و مطالعه^۵ تفاوت قائل شده، برای این دو مفهوم ویژگی‌هایی را متصور شده و تلاش کرده‌اند میان خواندن و مطالعه مرزهایی را مشخص کنند که در جدول ۱ آمده است. شاید هدف آنها از این مرزبندی تعیین شاخصی دقیق‌تر برای محاسبه نرخ مطالعه در جامعه بوده و با این مرزبندی درصدد بوده‌اند که مصادیق خواندن را از مصادیق مطالعه جدا کنند تا بهتر بتوانند وضعیت مطالعه جامعه را راهبری کنند.

جدول ۱. تفاوت‌های صوری و مفهومی برای مطالعه و خواندن (در نادری، شعبانی و عابدی، ۱۳۸۹، ۱۵-۱۶)

مطالعه	خواندن
وقتی متنی با هدف و با تمرکز خوانده شود.	وقتی متنی جدی خوانده نشود و هدف از خواندن ارزشیابی نباشد.
در مطالعه تمرکز مورد تاکید است.	در خواندن مشاهده مورد تاکید است.
در مطالعه ذهن و فکر به صورت هدفمند به منظور کسب دانش و یا درک موضوعی بکار گرفته می‌شود.	در خواندن فکر و ذهن کمتر درگیر می‌شود و متن به صورت گذرا مرور می‌شود.
در مطالعه به خاطر سپاری در نظر است.	در خواندن مرور متن به قصد لذت بدون به خاطر سپاری در نظر است..

گرچه در جدول ۱ تفاوت‌هایی برای خواندن و مطالعه ذکر شده، اما با کمی تامل مشخص می‌شود هر چند این تفاوت‌ها به صورت ذهنی قابل مرزبندی است ولی در عمل نمی‌توان برای آنها مرزی را مشخص کرد. آیا وقتی دو نفر متنی در دست دارند و با چشم خطوط آنها را از نظر می‌گذرانند، می‌توان گفت کدام یک در حال مطالعه و کدام یک در حال خواندن است؟ حتی یک فرد به راحتی نمی‌تواند درباره کیفیت مطالعه خودش قضاوت کند. در واقع فرد با مرور یک مطلب نمی‌تواند دقیقاً بگوید که چقدر ذهن خودش را درگیر خواندن یا مطالعه کرده و آن را به خاطر سپرده است؟ افزون بر این، یک فرد در طول خواندن یک مطلب واحد، ممکن است حالات رفتاری مختلفی داشته باشد؛ به گونه‌ای که بخشی از یک مطلب را با جدیت، بخشی دیگر را گذرا، بخشی را هدفمند و بخشی را بدون هدف بخواند. نکته ظریف‌تر

^۳. Bloom
^۴. Study
^۵. Reading



اینکه یک فرد قسمتی از یک متن را می‌تواند به حالات مختلف نیز بخواند، یکبار به قصد لذت و بار دیگر به قصد یادگیری و با تمرکز و با هدف بخواند.

بنابراین به نظر می‌رسد تفاوت قائل شدن برای دو مفهوم "خواندن" و "مطالعه" در حد یک تقسیم بندی نظری باقی می‌ماند و کمتر در میدان عمل به کار می‌آید. به ویژه زمانی که بخواهیم از میزان خواندن و مطالعه آماری به تفکیک ارائه کنیم، با چالش جدی مواجه می‌شویم.

حدود مرز شاخص مطالعه و ابهامات آن

زمانی که از چستی مطالعه صحبت به میان می‌آید، در اذهان افراد مفاهیم مختلفی متبادری شود؛ چراکه هنوز در درک ماهیت مطالعه و مصداقهای آن از نظر قالب و محتوا اختلاف نظر وجود دارد. این معضل را زمانی بهتر درک می‌کنیم که در صدد تعیین سرانه مطالعه در جامعه باشیم. در آن موقعیت است که متوجه ابهامهای چالش‌آفرین زیادی خواهیم شد. ابهامهایی نظیر اینکه آیا مطالعه منابع درسی، مشمول مطالعه می‌شود؟ آیا مطالعه منابع مذهبی نظیر خواندن قرآن و دعا باید در شاخص مطالعه منظور شود یا خیر؟ آیا دیدن فیلمی که بر اساس داستان و رمانی تهیه شده باشد، مطالعه محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا مطالعه کتابهای علمی هم مطالعه است یا مطالعه را به کتابهای علوم انسانی محدود می‌شود؟ آیا مطالعه منابع الکترونیکی حد و مرز مطالعه را تغییر داده است؟ و آیا مطالعه تنها به منابع چاپی محدود می‌شود؟ رسیدن به پاسخ‌های سنجیده بسیار مهم است، چرا که وجود ابهامها در تعیین شاخص‌های مطالعه منجر به ارائه آمارهای ضد و نقیض می‌شود. وجود آمارهای سرانه مطالعه چندگانه از یک سو باعث بی‌اعتمادی جامعه به آمارها خواهد شد و از سوی دیگر برنامه‌ریزی برای ارتقای میزان مطالعه در کشور را دچار مشکل می‌کند.

ابهام در تعیین شاخص مطالعه در مواجهه با کتابهای درسی

در اکثر گزارش‌های آماری سرانه مطالعه، خواندن منابع درسی جزو اقلام سرانه مطالعه لحاظ نشده‌است. مهمترین دلیل عدم محاسبه مطالعه درسی در سرانه مطالعه را جنبه تکلیفی مطالعه منابع درسی دانسته‌اند. در مقابل نظر دیگری است که با وجود جنبه تکلیفی مطالعه کتابهای درسی، تفاوتی بین این نوع مطالعه و مطالعه غیردرسی قائل نیستند و توصیه می‌کنند که این نوع مطالعات نیز باید در سرانه مطالعه جامعه لحاظ شود (پارسزاده، ۱۳۸۷)؛ چرا که به زعم این افراد مطالعه منابع درسی همانند منابع غیر درسی بر رشد فردی، اجتماعی و علمی آنها تأثیرگذار است.

ابهام در تعیین شاخص مطالعه در مواجهه با کتابهای علمی

برخی از محققان نظیر سلطانی (۱۳۵۶) برای شاخص مطالعه دایره‌ای بسیار تنگ‌تر ترسیم کرده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی مطالعه منابع علمی نظیر کتابهای پزشکی و سایر علوم خالص و عملی را جزو مطالعه محسوب نمی‌کنند و صرفاً منابع علوم انسانی را که در مقابل علم به انسان فرزاندگی می‌دهد را "مطالعه" منظور می‌کنند.

در پاسخ به دو ابهام اشاره شده، اگر تعریفی که از چستی مطالعه آمد به عنوان چارچوب نظری پذیرفته شود، تا حد زیادی این ابهامات رفع خواهد شد. در تعریف مطالعه آورده شده بود که مطالعه نوعی خواندن هدفمند است که منجر به



درک معنا و افزایش دانش فرد مطالعه‌کننده شود. این تعریف محدودیتی برای نوع منابع مطالعاتی قائل نشده است، بلکه به تأثیرگذاری آن توجه دارد. در واقع ملاک، تأثیر عمل خواندن بر خواننده است که مطالعه را از غیر آن متمایز می‌کند. با این تعریف مطالعه منابع علمی و درسی، مصادیقی برای مطالعه به شمار خواهند رفت؛ چراکه فرد از مطالعه منابع درسی و علمی به درک معنا و آگاهی می‌رسد. از سوی دیگر در دفاع از احتساب منابع درسی به عنوان یکی از مصداق‌های مطالعه، اینگونه می‌توان استدلال کرد که منابع درسی (بویژه در ایران) مجموعه‌ای برگرفته از سایر منابعی است که ما آنها را در زمره منابع غیردرسی تلقی می‌کنیم. به عبارت دیگر منابع درسی منابع گزیده و منتخبی از سایر منابع است که برای هدفهای آموزشی انتخاب و در قالب یک کتاب برای مخاطب مشخص تدوین شده‌اند. بنابراین منطقی به نظر نمی‌رسد بخواهیم مطالعه منابع درسی را که در بسیاری از موارد بسان سایر منابع غیردرسی است، به صرف جنبه تکلیفی آن در شاخص مطالعه لحاظ نکنیم. البته اگر جنبه تکلیفی و آزاد بودن آن قابل اهمیت است این مشکل را می‌توان با تقسیم مطالعه به اجباری یا تکلیفی در مقابل مطالعه آزاد یا داوطلبانه برطرف کرد. در این تقسیم بندی هر دو قسم آن مطالعه محسوب می‌شود، ولی از نقطه نظر اختیار قابل تفکیک است. این جداسازی در گزارشهای سرانه مطالعه می‌تواند با دو معیار میانگین مطالعه تکلیفی و آزاد ارائه شود. آشکار است که ندیده‌گرفتن کلیه مصداق‌های شاخص مطالعه به روایی سرانه مطالعه لطمه خواهد زد و تفسیر و تحلیل آن را دچار مشکل می‌کند؛ به طوری که در بررسی‌های تطبیقی، مقایسه میانگین مطالعه در سطح ملی و به ویژه در سطح جهانی چالش‌انگیز خواهد بود.

ابهام در تعیین شاخص مطالعه در مواجهه با کتابهای دینی

برخی با این فرض که مطالعه منابع مذهبی (نظیر خواندن قرآن و دعا) از روی عادت و تکرار است و در عرف بین‌الملل نیز جزو شاخص مطالعه منظور نمی‌شود، آن را در زمره شاخص‌های سرانه مطالعه به حساب نمی‌آورند. در مقابل عده‌ای مصرند که این نوع مطالعه که بسیار آگاهی بخش است می‌باید جزو شاخص مطالعه محسوب شود. همین باورها در اظهارنظرهای متفاوت از مسئولان فرهنگی گاه و بیگاه در رسانه‌ها دیده و شنیده می‌شود. به طور نمونه صفار هرندی وزیر وقت وزارت فرهنگ و ارشاد در مصاحبه‌ای که در آن میزان مطالعه مطالعه را ۱۸ دقیقه اعلام کرد، تاکید نمود که از نظر وی مطالعه ادعیه و قرآن نیز مطالعه محسوب می‌شود. (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷) در مقابل اشعری رئیس کتابخانه ملی وقت بدون احتساب مطالعه ادعیه و قرآن، میزان سرانه مطالعه را در حد ۲ تا ۹ دقیقه اعلام کرد. هرچند در مصاحبه بعدی، نظرش را تغییر داد و همان ۱۸ دقیقه را پذیرفت (جام جم، ۱۳۸۸).

همانطور که در پاسخ به ابهام‌های قبل ذکر شد چنانچه ملاک احتساب شاخص‌های سرانه مطالعه، تعریف مطالعه باشد، نوع منبع نباید در مصداقیت آن تأثیرگذار بلکه تأثیرگذاری آن باید ملاک باشد. مطالعه منابع دینی و مذهبی به ویژه زمانی که با معرفت همراه باشد، از قدرت تأثیرگذاری زیادی برخوردار می‌شود و مطلوب است در شمول مصداق‌های مطالعه منظور شود. در همین خصوص پارسازاده (۱۳۸۷) مدیر کمیته پژوهش سرانه مطالعه نهاد کتابخانه عمومی کشور معتقد است که با بررسی بسیاری از تعاریف، مطالعه کتاب‌های درسی، قرآن و ادعیه، جزو مطالعه محسوب می‌شود و به



دلیل محتوای قرآن و تأثیرگذاری آن بهترین نوع مطالعه است؛ چون علاوه بر اینکه اطلاعات جدیدی به فرد مطالعه کننده می‌دهد، دستاوردهای رفتاری و معنوی نیز دارد.

ابهام در تعیین شاخص مطالعه در مواجهه با فیلم‌های داستانی

ابهام چالش برانگیز دیگر فیلم‌هایی است که بر اساس یک داستان یا رمان ساخته شده است. این ابهام به واسطه وجود دو نظر متفاوت در مورد فیلم‌های داستانی است. یک نظر این است زمانی که فیلمی بر اساس یک داستان و یا رمان ساخته می‌شود، مشاهده آن با مطالعه همان اثر اولیه تفاوتی ندارد. عده‌ای معتقدند چنانچه فردی فیلم اثرمتنی را مشاهده می‌کند، تقریباً به همان دریافت‌های ناشی از مطالعه اثر متنی می‌رسد. در مقابل نظر دیگری وجود دارد که بین مطالعه یک کتاب و مشاهده فیلم آن تفاوت قائل شده است. البته در این بین، فیلم‌هایی وجود دارد که دارای زیرنویس هستند که این خود مقوله ای دیگر است. از نظر بسیاری دیدن این فیلم‌های دارای متن، به نوعی مطالعه محسوب می‌شود. در این مورد اختلاف نظر کمتر دیده می‌شود.

اما از نظر برخی، فیلم‌های ساخته شده بر اساس کتاب، جزو شاخص مطالعه قرار نمی‌گیرد. خسروی (۱۳۸۱) در دفاع از این عقیده، در مقاله خود با عنوان «مقدمه ای بر آسیب شناسی مطالعه در کشورهای جنوب» اظهار می‌دارد هیچ یک از فلاسفه تعلیم و تربیت مانند کنفوسیوس، افلاطون، سیسرو، لاک و جان دیویی القای این نظر را که تلویزیون به گونه‌ای تعلیم و سرگرمی را با هم ارائه می‌کند که از هم جدا نمی‌شوند، را باور ندارند. در همین راستا سیسرو نیز گفته است: "هدف از تعلیم آن است که دانش آموز بتواند خود را از اسارت و قساوت لحظه‌ها {بی هدفی و انفعالی} رها کند که این البته ممکن است چندان ساده و خوشایند نباشد" (به نقل از پستمن، ۱۳۵۷). اما تلویزیون (فیلم دیدن) با خلق لحظه‌های خوش‌آفریدن دقیقاً برعکس این نظریه حرکت می‌کند؛ چراکه اصولاً اغلب برنامه‌های تلویزیون {و فیلمها} حاوی مطالبی نیست که :

- باید به خاطر سپرده شود؛
- باید مطالعه شود و در آنها دقت شود؛
- نیاز به پشتکار و هوشیاری و تیربینی خاص داشته باشد؛
- نیاز به بحث و مناظره در حین پخش داشته باشد (پستمن، ۱۳۵۷ به نقل از خسروی، ۱۳۸۱).

القای خوشی‌های لحظه‌ای و نگاهی بازی‌نگرانه به زندگی باعث دوری از تفکر انتقادی و اندیشه در زندگی به ویژه تفکر نقاد می‌شود (خسروی، ۱۳۸۱). سلطانی (۱۳۵۶) هم معتقد است شنونده و بیننده در رادیو و تلویزیون، تنها به مصرف‌کننده‌ای می‌ماند که باید با شتاب تصویر و کلمات را ببلعد، اما در مقابل خواننده کتاب، نقش مهمی در مطالعه کتاب به عهده دارد. خواننده در مطالعه کتاب، بیشتر فرصت تامل و درک مطلب را دارد. مطالعه کتاب در حقیقت گفتگوی انسان با دیگری است. آدمی که انگار خودمان خلق کرده‌ایم. یعنی وقتی به درک و شناخت رسیدیم آن وقت مخلوق خودمان می‌شود و از آن لذت می‌بریم. بیننده فیلم، غالباً نگاه گذرا دارد؛ چرا که مجال برای گفتگو و بحث ندارد، باید بشنود و بگذرد، ولی در امر مطالعه یک کتاب چنانچه یک جمله یا کلمه‌ای فهمیده نشود، جمله بعدی



خواننده را به مواخذه می‌کشد. بنابراین خواننده چاره ای جز تامل ندارد و در این فرایند هرچه تامل بیشتر باشد، درک ولذت بیشتری عاید خواننده می‌شود.

با توصیفی که گذشت آیا می‌توان گفت مشاهده فیلم‌های داستانی نوعی مطالعه محسوب می‌شود؟ در پاسخ می‌توان گفت: چنانچه بپذیریم که فیلم‌های داستانی نیز از همان جنس برنامه‌های رادیو و تلویزیون است و تقریباً همان تأثیرات را کم و بیش دارد و با توجه به اینکه در این نوع فیلم‌ها بیشتر بر جنبه‌های سرگرمی تاکید می‌شود و کمتر فرصت تامل و تعمق را برای انسان پیش می‌آورد؛ مشاهده آنها ارتباط چندانی با مطالعه نمی‌تواند داشته باشد. دلیل دیگری در تایید این مطلب می‌تواند این باشد که بیننده در دیدن فیلم‌ها اغلب مواقع حالت انفعالی دارد و تقریباً یک گفتگوی یک نفره است؛ چرا که آنقدر حوادث یک فیلم به سرعت اتفاق می‌افتد که جایی برای تفکر و تامل کم‌تر باقی نمی‌گذارد. شاید با طرح پرسش‌های ذیل قضاوت راحت‌تر باشد: آیا فعل و انفعالات ذهنی خواننده یک متن با فعل و انفعالات ذهنی وی در دیدن فیلم مبتنی بر همان متن برابر است؟ آیا خواننده و بیننده به یک اندازه با متن و فیلم در تعاملند؟ آیا در دیدن فیلم بیشتر فرصت تداعی معانی و غور در معنا اتفاق می‌افتد یا در خواندن یک متن؟ و سئوالاتی از این گونه.

به جز طرح تفاوت ماهیتی فیلم و متن، از زوایه دیگر نیز می‌توان به این قضیه پرداخت. بر فرض اینکه فیلم‌های داستانی در شاخص مطالعه بگنجد، آیا صرفاً باید فیلم‌های داستانی به عنوان مطالعه لحاظ شود؟ اگر اینگونه باشد فیلم‌های دیگر نظیر فیلم‌های مستند و علمی چه تکلیفی خواهند داشت؟ در خصوص فیلم‌های تصانیف و ترانه که شعر آن از آثار متنی است، چگونه قضاوت خواهیم کرد؟

بنابراین به نظر می‌رسد علی‌رغم اینکه فیلم‌های داستانی جذاب و گیرا هستند و فواید بسیاری دارند، نظر نگارنده این است که دیدن فیلم جایگزین مطالعه اثر اصلی نخواهد بود؛ چرا که هر کدام انسان را وارد دنیای خاص خود می‌کند، دنیایی که در مطالعه بیشتر به درک معنا می‌انجامد ولی در دنیای فیلم بیشتر بر درک بصری تاکید می‌شود. در فیلم، کارگردان با وجود بکارگیری ترفندهای مختلف و با آفرینش جلوه‌های ویژه فقط می‌تواند بخش ناچیزی از مفاهیم عمیق یک داستان را به تصویر بکشد. علت آن هم واضح است. دنیای بصری و فناوری محدودیت‌های خودش را دارد، ضمن آنکه خلق و تولید هر صحنه از فیلم هزینه‌های مالی و زمانی قابل توجهی می‌طلبد. اما واقعیت این است که کارگردان در نهایت حتی اگر خلاقانه متن اصلی را تغییر داده باشد و بر غنای آن افزوده باشد فقط می‌تواند بخشی کوچکی و آن هم به صورت سطحی از عالم معنای یک اثر اصلی یا اثر تولید شده را از سرزمین متن به دنیای تصویر منتقل کند.

تجربه نشان داده است که فیلم داستانی هرچند فاخر تولید شود نمی‌تواند جایگزین اثر اصلی شود. فیلم و متن هر کدام متعلق به یک سرزمین با خصایص خاص خود هستند و تأثیرات متفاوتی دارند. در مجموع به نظر می‌رسد که به شمار آوردن فیلم به عنوان یکی از مصداق‌های مطالعه، به راحتی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ضمن آنکه در صورت پذیرش آن به عنوان مصداقی از مطالعه، خود ابهام‌های بسیاری را در مورد سایر محصولات شنیداری و دیداری نظیر فیلم‌هایی که بر اساس داستانهای شفاهی ساخته شده‌اند، فیلم‌های مستند و علمی و مجموعه‌های تلویزیونی، مسابقات سرگرمی و علمی، گزارش‌های خبری و غیره وجود خواهد آورد. تشخیص اینکه این نوع فیلم‌ها مصداق مطالعه هستند، در هر صورت چه در مقام تایید و چه در رد آن، نیازمند دلائلی نه چندان ساده خواهد بود. بی‌توجهی و ساده‌انگاری در تعیین



مصادق‌های مطالعه منجر به تفسیر و تعبیرهای نابجا از شاخص مطالعه می‌شود که نتیجه آن چیزی جز سردرگمی جامعه علمی نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مسائل یاد شده، آشکار می‌شود که آشفتگی قابل ملاحظه‌ای در تعریف حد و مرز مفهوم مطالعه وجود دارد. هر نهاد یا فردی به زعم خودش شاخصی را برای مطالعه تعیین و بر همان مبنا اطلاعات را گردآوری و تحلیل می‌کند که پیامد آن اظهار نظرهای ضد و نقیض و حیرانی مخاطبان شده‌است. پیشنهاد کلی برای تعیین شاخص مطالعه این است که یک مرجع رسمی و معتبر به تعیین حد و مرز این شاخص و ارائه تعریفی جامع و مانع از مصادق‌های مطالعه با توجه به ابهام‌های گفته شده و احتمالاً ابهام‌های دیگر به مبادرت کند. جامع از این حیث که تمامی مصادق‌های مهم امر مطالعه در زمره معیارهای مطالعه گنجانده شود و مانع از این حیث که از درج مواردی که ماهیت مطالعه ندارد در تعریف جلوگیری کند. توجه به دو نکته در این تعریف می‌تواند در تعیین مصداق و عملیاتی کردن شاخص مطالعه راهگشا باشد. یکی این که مصادق‌های مطالعه حتی‌الامکان به صورت تفکیکی ارائه شود. اهتمام به این نکته باعث می‌شود که شاخص کل مطالعه، جامع کلیه شاخص‌های فرعی مطالعه باشد و دیگر اینکه امر مطالعه به منبعی اطلاق شود که دارای متن آگاهی بخش باشد. توجه به این نکته نیز سبب خواهد شد که هر متنی در هر قالبی (چاپی و غیرچاپی) به شکل آگاهی بخش ارائه شود و مورد مطالعه قرارگیرد، مصداقی برای مطالعه تلقی شود. در سالهای اخیر (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸) نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تقریباً با این رویکرد به ارائه آمار مطالعه کتاب، روزنامه، نشریات، فضای مجازی، مطالعه ادعیه پرداخته که در جدول ۲ شاخص‌های آن آمده‌است.

جدول ۲. شاخص‌های مطالعه در ایران (نهاد کتابخانه‌های عمومی (۱۳۸۸). گزارش سرانه مطالعه ایران)

شاخص‌های مطالعه در ایران
متوسط تعداد کتاب مطالعه شده
متوسط مطالعه روزانه کتاب
سرانه مطالعه کتاب در فضای مجازی
متوسط زمان مطالعه قرآن و ادعیه
مجموع مطالعه کتاب
متوسط مطالعه روزانه روزنامه
متوسط مطالعه روزانه نشریات (روزانه)
سرانه کل مطالعه (کتاب، روزنامه و نشریات)

این رویکرد هرچند کار تعیین شاخص مطالعه را در زمان دسته‌بندی شاخص‌ها قدری سخت می‌کند ولی نتیجه آن قابل اعتماد و استناد خواهد بود. با این دسته‌بندی، محققان و مسئولان با توجه به نیاز خود به‌ترمی‌توانند از شاخص مطالعه و



زیر شاخص‌های آن بهره‌مند شوند و زمینه آسیب‌رسانی تفسیرهای متناقض و مبهم را از بین می‌برد. حاصل این نگرش این خواهد بود که پژوهشگران فرصت ارائه راهکارهای مشخص‌تری را برای بهبود وضعیت مطالعه بدست خواهند آورد. ضمن آنکه وجود چنین آمار تفکیکی امکان مقایسه‌های تحلیلی در داخل و خارج از کشور را بهتر فراهم خواهد کرد.

منابع و مأخذ

آدلر، مارتیمر؛ ون دورن، چارلز (۱۳۷۱). **چگونه کتاب بخوانیم**. ترجمه محمد صراف تهرانی.. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.

جام جم (۱۳۸۸). "با اعلام سرانه ۱۸ دقیقه مطالعه برای هر ایرانی نظر اشعری درباره آمار کتابخوانی عوض شد". **جام جم (فرهنگ و سینما)**، چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۳۸۸. بازیابی شده:

www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum.php

پارسازاده، احمد (۱۳۸۷). "خواندن قرآن در سرانه مطالعه قرار می‌گیرد؟". بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱۸ از:

http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1216628604_quran_p1.php

خبرگزاری فارس (۱۳۸۷). صفار هرنندی سرانه مطالعه در کشور ۱۸/۵ دقیقه است. بازیابی شده در تاریخ ۹۱/۸/۶ از:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8711261526>

خسروی، فریبرز (۱۳۸۱). "مقدمه ای بر آسیب شناسی مطالعه در کشورهای جنوب". **فصلنامه کتاب**، دوره ۱۳ (۳): ۱۱۶-۱۲۵.

دلجو، شریعت (۱۳۸۵). **شیوه‌های یادگیری و مطالعه**. تهران: سپرسخن؛ چار.

سلطانی، پوری (۱۳۵۶). "در ستایش کم خوانی". **نامه انجمن کتابداران ایران**، ۱۰ (۳): ۲۴۳-۲۵۰.

معین، محمد (۱۳۷۷). **فرهنگ فارسی**. تهران: نشر سپهر.

نادری، فاطمه؛ شعبانی، احمد؛ عابدی، محمد رضا (۱۳۸۹). **مطالعه در عصر دیجیتال: از اندیشه‌های کنتون ۱ و هارا تا زایمینگ لیو**. تهران: چاپار.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور (۱۳۸۸). "گزارش اول سنجش سرانه مطالعه: اسفند سال ۱۳۸۸". بازیابی ۵ بهمن ۱۳۸۹ از:

<http://iranpl.ir/Portal/Home/default.aspx>

Wikipedia: Definition of Reading. Retrieved: 3 May 2012 at [http://en.wikipedia.org/wiki/Reading_\(process\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Reading_(process)):